

ارتش و انتخابات



مادهای مملکتی

در جنگال انحصار طلبان!!

مجله
کتاب

۱
۳
۱۶

کلیشهء روی جلد جزوه ای
که در آستانهء انتخابات
مجلس شورای ملی، از
طرف ادارهء سیاسی
ایدئولوژیک ستاد
مشترک ارتش، چاپ
شده است.

استراتژی توطئه آمیز
گروه های غیر اسلامی
در برابر انتخابات
مجلس شورای اسلامی
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

اداره سیاسی- ایدئولوژیک
ستاد مشترک ارتش جمهوری
اسلامی ایران

آیا برآستی آنچه ان که خود ارتش می گوید در انتخابات
بی طرف است؟ اگر نه، چرا؟ و به نفع چه کسانی وارد میدان
شده است؟ و به ضرر چه کسانی؟
روشن است که عینا "به زیان همان نهائی وارد شده
است که سالها در دادرسی اش آنها را به اعدام محکوم
می کرد: مجاهدین و مبارزین

تکثیر از :

نخستین و انجمن و نشریه ان
انستیتوها و مدارس عالی تبریز



بِنامِ خدا

فهرست مندرجات

- ۱- مقاله ای در مورد جزوه " استراتژی توطئه آمیز... " (بنقل از مجاهد فوق العاده انتخابات شماره ۶)
- ۲- متن کامل جزوه " استراتژی توطئه آمیز... " از انتشارات ارتش جمهوری اسلامی
- ۳- افشای دوسند دیگر در مورد حاکمیت انحصار طلبان بر " اداره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش " (بنقل از مجاهد شماره ۲۸)

مقاله‌ای در مورد جزوه

استراتژی توطئه آمیز گروه‌های غیر اسلامی

در انتخابات مجلس شورای اسلامی

" از انتشارات ارتش جمهوری اسلامی "

به نقل از :



" مجاهد فوق العاده انتخابات شماره ۶ "

در میان انبوه اعلامیه‌ها تراکت‌ها و جزواتی که این روزها به مناسبت انتخابات مجلس از جانب گروه‌ها و جمعیت‌های مختلف عرضه می‌شود، جزوهای جلب نظر کرد که از جهات بسیاری در حور تعمق است این نوشته حتی می‌توانست برای کسانی که این روزها دم از کشف توطئه بر علیه نظام موجود می‌زنند، اگر واقعاً "و صادقانه حسن نیتی داشتند، وسیله‌ای برای کشف سرخ و سرمنشاخیلی از توطئه‌ها باشد عنوان مطمئن این نوشته "استراتژی توطئه‌آمیز گروه‌های غیراسلامی در برابر انتخابات مجلس شورای اسلامی" است، تا اینجای مساله می‌شد، از آن به سادگی گذشت و آن را در ردیف بسیاری از احیای دیگر که از جانب احزاب و افراد معلوم الحال منتشر می‌گردد گذاشت، ولی عنوان نویسنده و به عبارت بهتر سرمنشا آن بسیار جالب توجه و روشنگر است، "اداره سیاسی ایدئولوژیک ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران"

زمزمه‌ی اختناق

کشور و مردم ما در حال خروج از زیر سایه‌ی اختناق ده‌ها ساله آریامهری هستند، دورانی که در آن به یمن و جود نامبارک دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم نه‌فعالیت آزاد سیاسی امکان داشت و نه انتخابات واقعی به چشم می‌خورد، اولین انتظاری که بعد از سال‌ها مبارزه و ده‌ها هزار شهید می‌رود، زدودن کلیه‌ی آثار ظلم و استبداد از بیکر نهادهای موجود است ولی اکنون در آستانه‌ی اولین انتخابات مجلس قرائنی پیدا است که حکایت از دسیسه‌های دیگر

می‌کند. توصیه به تهاجم و ممانعت از ورود نیروهای به زعم ایشان غیراسلامی، آن هم از جانب ارتش^۱ و این در حالی است که حتی بعضی از مقامات نیز اذعان دارند که این مجلس باید نماینده‌ی همه‌ی ملت و فراگیرنده‌ی تمام گرایش‌های عقیدتی باشد.

آنچه که در برخورد و نظر اول در این جزوه جلب توجه می‌کند سبکی نوشته و جمله‌پردازی‌های موزیانه‌ی آن است. که چندان هم ناآشنا نیست و اعلامیه‌ها و نوشته‌های توطئه‌آمیز آریا مهری و نویسندگان وابسته را تداعی می‌کند. نویسندگان واژه‌ها و قالب‌هایی را که تقدس یک انقلاب و فرهنگ انقلابی مردم را دربردارند، عوام فریبانه بکار گرفته و مقاصد و افکار ضد مردمی خویش را زیر لوای اسلام و نام امام‌اللقاء می‌کنند. به شکلی سیستماتیک و حساب شده آنچنان هر فکر غیر موافق با اندیشه‌های ارتجاعی خویش را ضد اسلامی و غیراسلامی و... نامیده‌اند که از سطح نازل استعداد‌های آنها بعید می‌نماید همان سبکی که شاه‌دربیکانه خواندن هر عقیده‌ی مترقیانه‌ی مخالف با رژیم خویش در آن تبحری خاص داشت. نوشته‌ی مزبور آن چنان نباشته از کینه نسبت به نیروهای انقلابی است که کارپردازان گناه نتوانسته‌اند اقتضای حیات خود را بپوشانند.

این عملکردها و این قرابت حتی تاکتیک‌ها و راه‌های شیوه‌هایی مشابه برای مقابله با حرکت‌های مردمی، آیا دلیل بر این نیست که هنوز تصفیه‌ای که بتواند ماهیت ارتش را دگرگون کند صورت نگرفته

است؟ و همان ماهیت این بار در قالب ارتجاع دست به تهاجم بر علیه حقوق سیاسی و اجتماعی مردم زده است؟ دایره به اصطلاح سیاسی ایدئولوژیکی که هنوز پس از گذشت یک سال حتی یک نوشته‌ی روشنگرانه درباره عملکرد سیا و ساواک و شیوه‌ی مقابله با آن‌ها منتشر نکرده چگونه صلاحیت دخالت در امر نظیری نظیر انتخابات مجلس دارد؟

این نوشته ۱۷ صفحه‌ای به اصطلاح تحلیلی که بطور عمدۀ شیوه‌ی مقابله با نیروهای مترقی در امر انتخابات را می‌آموزد انباشته از تراوشات ذهنی بیمار و انحمارطلب است. پس از دخالت‌های بی‌پروای ارتش شاهنشاهی در تهدید آزادی‌های سیاسی و اجتماعی قبیل از انقلاب، چشم مسئولین امر به این یکی هم روشن. اگر قبلاً ارتش و فرزند حرام زاده اش ساواک به خود اجازه می‌دادند در کلیه‌ی شئونات و ریزترین مسائل مردم دخالت کنند، می‌شد آن را به حساب دیکتاتوری گذاشت. و نیش او نه از ره‌کین، بلکه اقتضای طبیعتش همین بود. ولی هنگامی که ارتش جمهوری اسلامی ایران که مدعی ملی بودن و مردمی بودن هم هست نمی‌تواند حداقل آزادی‌های سیاسی را ببیند و اداره‌ی سیاسی - ایدئولوژیک آن تحت پوشش نام امام و اسلام و قیامت را به نهایت حد می‌رساند، چه می‌توان گفت؟ انحمارطلبی رستاخیزی تا بدانجا می‌رسد که توصیه می‌کند گروه‌های اصیل اسلامی نظیر حزب جمهوری اسلامی با یک حرکت سا زمان یافته! گروه‌های دیگر را به انزوا بکشند و تازه اینجا دم خروس پیدا می‌شود و سیطره‌ی حزب دست راستی معلوم الحال

برخیلی ارگان‌های مملکتی عیان ترمی‌گردد.

فرماندهان دایره‌سیاسی ایدئولوژیکی که مسئولین ارتش ادعا می‌کنند برای بازسازی ایدئولوژی و فرهنگ ارتش و اسلامی کردن آن تشکیل شده، کلام مسالهی ارتش را تا به حال حل کرده اند که اکنون وظیفه‌ی رهنمود دادن به مردم و پرسنل در امر انتخابات را عهده‌دار شده‌اند. آیا در بادی امر این سوال به ذهن نمی‌رسد که چطور در راس حساسترین ارگان‌های دفاعی که به اصطلاح وظیفه‌ی حراست از مردم بی‌پناه در مقابل شیطان بزرگ امپریالیسم امریکارابه عهده گرفته است جاسوس آمریکا، دریا دار علوی را به کار گرفته‌اند؟ آیا منظور از اسلامی کردن ارتش، تنها رنگ‌آمیزی سیاست‌های آریامهری است؟ ... این است حاصل کاریک‌ساله‌ی دایره‌سیاسی ایدئولوژیک ارتش. این یکی هم تازه‌ترین بری‌است که از این باغ رسیده است راه‌های مدون و برنامه‌ریزی شده‌ی پیشنهادی، شباهتی عجیب به آنچه در این مدت در مورد نیروهای انقلابی انجام می‌شده‌اند.

آیا اینجا رابطه‌ای موجود نیست و به راستی زنجیر این ارتباطات به کجا ختم می‌شود؟

بمورسی مقدمه

گرچه این نوشته مبتدل تر از آن است که شایسته‌ی مورد بحث قرار گرفتن باشد ولی از آن جا که نمونه‌های موجود سرآغاز جدیدی در دخالت ارتش در اموری نظیر انتخابات است به چند نکته‌ی

عمده‌ی آن نگاه‌ی می‌کنیم. در مقدمه نویسندگان می‌گویند: "در جامع‌ی کنونی ما، نیروها و جناح‌های مختلفی وجود دارد که از ابعدوبینش‌های مختلف قابل ارزیابی و بررسی می‌باشد چنانچه ملاک و تنها ملاک ما اسلام و آن هم اسلام زلال و راستین، بدون هیچ گونه زدگی باشد هر چند که ممکن است جامعه‌شناسی سیاسی، حضور آنان را در صحنه فعل و انفعالات قدرت تجویز کند ولی عملکرد مکتبی قطعاً "چنین جوازی را بدین گونه به ما نمیدهد؛ این که چگونه با اصطلاح جامعه‌شناسی سیاسی آقایان جواز حضور در صحنه را به نیروهای دیگر می‌دهد ولی عملکرد مکتبی شان نمی‌دهد را آیا جز در مکتب انحصارگرا نه و ارتجاعی ایشان می‌توان دید؟ لابد فردا هم مکتب ایشان اقتضای می‌کند که مخالفین پاسپورت گرفته و از کشور خارج شوند؛ و هنگامی که "نگاهی گذرا بر پاره‌ای از تجربیات گرانقدر یا زده‌ما ه بعد از پیروزی انقلاب می‌کند" در بند "ب" می‌گوید: "گروه‌های غیر اسلامی ثابت کردند که هدف آن‌ها بعد از کسب قدرت، نه تنها میل به وحدت نیست بلکه ایجاد شکاف و دوئیت هر چه عمیق‌تر در رده‌های بالای اجرائی و قانونی جمهوری اسلامی می‌باشد کارنامه‌ی یک ساله‌ی میوه‌چینان انقلاب که با حرص و ولعی سیری نا پذیر بر اریکه‌ی قدرت چنگ انداخته بودند، و اکنون کشته‌مشتان در پیشگاه خلق غارت شده گشوده، میشود جز این سخنی ندارند دیگر همه کس میدانند که چه کسی آتش جنگ کردستان را برافروخت و جنگ‌های ملیبی و برارکشی را برآه انداخت و چه کسانی در این مسدودت

علیرغم تمام فشارها و تضییقات در همه حال منادی وحدت در مقابل امپریالیسم بود.

و چند سطر بعد در جایی که توانائی پوشانیدن موضع خصمانه ی ضد مردمی خود را ندارند در رابطه با اصطلاح بانزوا کشیده شدن نیروهای انقلابی می‌گویند: "در این رابطه ضربات و حملات کسار سازی مکررا" از جانب توده ی مردم بر پیکر سیاسی - تشکیلاتی آنان وارد آمده است" در جایی که حزب دست راستی جمهوری نیز حمله کنند - کان به میتینگها را از سرنا چاری محکوم می‌کند، حضرات با تائید چاقوکش های فالانژ پرده از منبع تغذیه و تحریک آن ها بر می‌دارند، رسوبات افکار آریا مهری آن چنان بر اذها نشان سنگینی می‌کند که متوجه نشده اند خود آقای بنی صدر هم این گونه افراد را ضد انقلاب خوانده است.

چند سطر بعد به تناقض گویی آشکاری گرفتار آمده و می‌گوید: "د- ثابت شده که زمینه ی اجتماعی در انقلاب ما برای رشد میکرب های غربی و خصوصا " شرقی چندان نامساعد نیست. نگاه ی به میزان گسترش و رشد نیروهای التقاطی و چپگرا پس از پیروزی انقلاب این واقعیت تلخ را تایید می‌کند".

آری رشد نیروهای انقلابی و هم زمان با آن زوال و مرگ محتوم نویسندگان حاکی از زمینه ی انقلابی موجود در جامعه است. روشن شدن و افشای امیر انتظام ها و دیگر پادوهای امپریالیسم ثابت کرده که خلق ما عزم خود را جزم کرده تا مرتجعین و وابستگان

رایک جابه زبانه دان تاریخ بفرستد. ولی نویسندگان نیز بدانند که شعارهای رسوای نه شرقی و نه غربی دیگر نمی تواند ماهیت غربی آنها را بپوشاند. هنگامی که جاسوخانهی آمریکا اشغال شد، عکس العمل فرماندهای وستاد ارتش قابل تعمق است. در حالی که تمام گروهها و دستجات مردمی از این اقدام که بر علیه امپریالیسم آمریکا صورت گرفته بود حمایت کردند، معلوم نیست

چرا حتی یک تاییدیه

علیه شیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا صورت نگرفت. البته حساب پرسنل انقلابی که علیرغم تمام تضییقات از جانب فرماندهان برای ابراز حمایت برخاستند جداست، خیلی ها همان زمان می ترسیدند که مدارکشان از لانهی جاسوس بیرون آید.

بررسی قسمت دوم

در قسمت دوم تحت عنوان "نقش و اهمیت مجلس شورای اسلامی برای گروههای غیر اسلامی" انگیزه‌ی نیروهای انقلابی را از ورود به مجلس با اصطلاح مورد بررسی قرار می دهد:

۲- برآوردن ندای واقانونا " و مظلوما در مجلس شورای اسلامی با کوچکترین اصطکاک اجتماعی برای گروه یا جریان خود، با توجه به اصل ۸۴ قانون اساسی: هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید. رسوای مذکور در حالیکه جرثومهی دیکتاتوری از لایق‌بایشان

بیرونزده است با دیده بغایت واپسگرایانه‌ی خویش از حتمی قانون اساسی مصوبه‌ی خبرگان نیز هراس دارند. اینان فراموش کرده‌اند که خلق ما قیام کرده است تا سرنوشت خود را از چنگال دیو سیرتان برهاند و آن را خود در دست گیرد. می‌ترسند که نمایندگان واقعی و منتخب مردم در صورت راه پیدا کردن به مجلس ماهیت ارتجاعی و وابسته‌ی آنها را بنمایانند. بنابراین هدف از شرکت عموم مردم در انتخابات را این گونه جلوه می‌دهند.

۳- دسترسی به عموم یا عمده اطلاعات و اخبار و مسائل سری و حیاتی مملکتی آنهم به گونه‌ی قانونی بر اساس اصل ۷۶ قانون اساسی که می‌گوید "مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد" پرسیدنی است که اگر ریگی به کفش ندارید چرا از بازخواست مردم می‌ترسید؟ آیا مردم حق ندارند بدانند امثال علوی‌ها و امیرانتظامها چگونه در مصادر کار قرار گرفته‌اند؟ آیا حق ندارند بپرسند که چرا آمریکا برای فرماندهان پاسبان سپورت تهیه می‌کرد؟ و آیا خلق ما نباید قراردادهای تجدید شده و اسارت بار امپریالیستی را مورد بازخواست قرار دهد؟ و... به همین دلیل است که در بند ۱۵ همین قسمت با وقاحت می‌گویند: "قدرت نمائی و کسب وجهی بزرگ نمائی حزبی یا سازمانی و یا گروهی و نیز زمینه سازی نماینده یا نمایندگان برای کسب حیثیت و اعتبار در جهت احراز سمتهای بالای مملکتی، به خصوص با توجه به اصل ۸۸ قانون اساسی که می‌گوید: "در هر مورد که نماينده‌ای از وزير مسئول در باره یکی از وظایف او سوال کند آن

وزیر موظف است در مجلس حاضر و به سوال جواب دهد و این جواب نبا
ید بیش از ده روز به تاخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص
مجلس شورای اسلامی .

ماهیت فضا یا هنگامی روشن تر می شود که پای ارائه‌ی راهها
و روشهای مقابله می‌رسد، و این عنوان مبحث سوم جزوه‌ی مزبور است
پیشنهادات و راه‌حلهایی که به نظر می‌رسد ذیلاً در دو قسمت
بیان می‌داریم . قسمت اول مقابله‌ی قانونی : ... از جمله این
اقدامات قانونی که اصل آن در شورای انقلاب به تصویب رسیده
مساله ناحیه‌ای کردن تهران در امر انتخابات بود که بسیار مفید
و انقلابی می‌باشد . البته با واکنش‌های کم و بیش تندی هم روبرو
شده و خواهد شد که بهیچ وجه مهم نیست ."

ظاهراً طرح اصلی طرح‌های کذائی برای جلوگیری از دخالت
مردم در تعیین سرنوشت‌شان ، مشغول معرفی خویشند . برآستی این
چنین ماهرانه ، انحصار طلبانه جلوی رشدتوده‌ها را گرفتن ، میراث
آریا مهر نیست ؟ سپس می‌افزاید : " از این قبیل اسنادهای قانون-
نی می‌بایستی فراوان تدارک دید . از جمله اینکه مطالعه و بررسی
واقفای پرونده کلیه‌ی کاندیداهای نمایندگی مجلس شورای ملی
از میان پرونده‌های ساواک منحل "

بدیهی است که مانده‌تنها افشای اسامی و پرونده‌ی ساواکی‌ها را
رد نمی‌کنیم ، بلکه این مساله ایست که از ابتدا بسیار بر آن -
پای فشرده‌ایم . به قول معروف آنکس را که حساب پاک است ، از
محاسبه چه پاک است . " ولی از سران حزب که این اسناد را در

اختیار دارند می‌خواهیم که در این تفحصات اسناد عفو نویسی ها و سپاس‌گویی ها و همچنین عکس‌های زیبایی که در معیشت شاه برداشته‌اند را نیز ببینند و آنها را افشا کنند. اینها تازه شیوه های قانونی بودند. هنگامی که از تبلیغاتی و ضد تبلیغات می‌گوید، بسی شنیدنی تر است.

فراموش نکرده‌ایم که از همین ادارات و یگانهای ارتش بود که در زمان انقلاب اعلامیه ها و عکسهای فراوانی برضامام خمینی انتشار می یافت. در همان زمان نیز کمیته‌ای درستاد ارتش به نام "کمیته بررسی تهدیدات و شایعات" تشکیل شده بود که یکی از شیوه های ضد تبلیغاتی آن وابسته جلوه دادن امام به بیگانگان و وارونه جلوه دادن چهره‌ی انقلاب بود. از جمله این طرح ها که پس از انقلاب نیز توسط پرسنل انقلابی افشاشد، کاریکا - توری از امام در وسط نقشه ایران بود که برعکس آن داس و چکش حک کرده بودند...

ببینیم اینجا و پس از گذشتن یکسال از انقلاب چه شکردهایی در آستین دارند: " در جهت خنثی کردن تبلیغات کاندیداها و گروه - های نامالح و انحرافی شخصیتها و ارگانهایی که در این بسیج همگانی به نحوی از انحاء میبایستی همکاری و همیاری نمایند عبارتند از: ۱- امام خمینی: سخنرانی یا پیام امام خمینی بخصوص با تاکید و پافشاری بر ضرورت اسلامیت در مورد نمایندگان و کمال مجلس شورای اسلامی و هشدار به عموم اقشار ملت در باره خطیبر

بودن این گزینش و نقش آن در حفظ تداوم انقلاب " . تا کی میتوان
زیر لوای امام مخفی شد و نغمه‌های توطئه ساز کرد؟

۲- رادیو و تلویزیون به عنوان یک عامل بیدارکننده از انگیزه‌های غیر اسلامی و غیر مردمی که در ارتباط با این مسئله مطرح است، پرده برداری کنند (البته به طور غیر مستقیم). رادیو و تلویزیون بر دو فاکتور اساسی در گزینش نمایندگان تأکید و پافشاری بنماید. یکی شناخت نمایندگان و دوم اسلامیت نمایندگان. "جداگانه دست مرپزاد، حاکمیت اختناق و هانسور بر رادیو و تلویزیون، آنهم اینچنین بیشرمانه!

۳- نماز جمعه در تهران و شهرستانها - نماز جمعه همایش عظیمی است که هر جمعه تقریباً در سراسر ایران برگزار میشود و امکان بسیار مناسبی است برای روشنگری و آگاه سازی توده ها (۱) - به خصوص در جهت ضد تبلیغات با تکیه بر غرور و حمیت مذهبی مردم بخوبی قابل استفاده و بهره برداری میباشد. اینچنین احساسات پاک مذهبی مردم را به مسخره گرفتن و از ناآگاهی توده ها بقول خودشان بهره برداری کردن، تنها در شان همین مرتجعین فرومایه است و بس. انحصار طلبانی که نماز جمعه را متعلق به تمامی مردم است، در خدمت منافع فرصت طلبانه خود میگیرند. ۵- انجمنها و گروهها و احزاب و جریانات زلال اسلامی بویژه در امر افشاگری کاندیداها ملحد و منافق میتوانند کار سازترین نقشها را عهده دار شوند، بخصوص در یک ارتباط ارگانیک و سراسری "اگر کمی تأمل کنیم این احزاب زلال اسلامی را هم معرفی خواهند کرد."

۶- ارگانها و گروههای اصیل اسلامی شاخص ، مانند حزب جمهوری اسلامی ، سپاه پاسداران ، دانشجویان پیرو خط امام میبایستی بر اصل صددرصد اسلامی بودن مجلس پافشاری و تاکید نمایند و بایک حرکت سازمان یافته عملاً گروههای غیر خط امام را بنا تبلیغات مثبت خود به انزوا بکشند" ولی برآستی علت چسبیدن به حزب جمهوری چیست؟ بگذریم :

۷- مطبوعات و جرایدها... در پاره‌ای مطبوعات همانند روزنامه‌های جمهوری اسلامی ، انقلاب اسلامی و آزادگان شاید بتوان انتظاراتی را مطرح کرد. این جراید مسئول و میتوانند با توجه به نکات و مسائلی که در بالا مطرح شده و به میدان مقابله مکتبی یا جریان‌اتحادی و التقاطی بیایند! البته اراجیف شما شایسته جایز در روزنامه جمهوری اسلامی و آزادگان نیست .

براین واضحات عیان‌تر از خورشید توضیح بیشتری نمی افزاییم مخصوصاً اینکه عملکرد این دستورالعملها را نیز در این مدت کم تجربه نکرده‌ایم . حتی در ازای توطئه های مذکور تا پای تقدیم شهدایی به انقلاب نیز پیش رفته‌ایم . حال که صحبت از ارتش شد لازم به تذکر نیست که حساب پرسنل دلیر و زحمتکش ارتش از این توطئه های دست اندر کاران جداست . چراکه بخوبی میدانیم آنهایی که چماق‌دارها و قمه کشهایشان را روانه تجاوز بسط اجتماعات نیروهای انقلابی و حقوق مردم میکنند بلاهای متناسب را بر سر پرسنل مستضعف ارتش نیز خواهد آورد .

در خاتمه باید گفت که مردم هوشیار ما که مخصوصاً تجربیات

اوشمندیکساله پس از انقلاب را پشت سرگزارده اند، مطمئننا
فريب اين توطئه هارا نخواهند خورد و برعكس ماهيت پليد آنها را
بهتر خواهند شناخت. ولي اين سوال از آقاي بنی صدر فرمانده
كل قوا به قوت خویش باقی است که: آیا این خزعلات و اراجیف
راکه از جانب یکی از ارگانهای اجرایی وابسته به دولت صادر
میشود تایید میکنند

استراتژی توالی‌ه آمیز
گروه‌های غیر اسلامی
در برابر انتخابات مجلس
شورای اسلامی

اداره سیاسی - ایدئولوژیک ستاد
مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

فراز اول - مقدمه :

اکنون که مراحل پیروزی انقلاب به لطف الهی و تائیدات غیبی و بارهبری خردمندانۀ امام خمینی یکی پس از دیگری با موفقیت چشمگیری سپری میشود ، توطئه ها و خدعه های خطرناک تر و سازمان یافته تری را میبینیم ، که هرکدام به گونه ای در روند پویا و توفنده و تکاملی انقلاب اسلامی ماسد و مانعی پدید می آورند با این جریانات ضد انقلابی و ضد اسلامی که در متن نهضت آنهم بگونه ای نامرئی به حیات پلید خود ادامه می دهند ————— میبایستی از موضع " شناخت بالنسبه کاملی " برخوردار کرد و بدنبال آن با یک مشی و سیاست مقتضی و همه جانبه و با استراتژی و با تاکتیکهای مناسبه مقابله و مواجهه پرداخت .

در جامعه کنونی ما ، نیروها و جناح های مختلفی وجود دارد که از ابعاد و بینش های مختلف قابل ارزیابی و بررسی می باشند چنانچه ملاک و تنها ملاک ما اسلام و آنهم " اسلام زلال و راستین " بدون هیچ گونه زدگی باشد هر چند که ممکن است جامعه شناسی

سیاسی، حضور آنان را در صحنه فعل و انفعالات قدرت تجویز کند ولی عملکرد مکتبی قطعا "چنین جوازی را بدین گونه بمانمیدهد. قبل از اینکه به اساس بحث یعنی چگونگی برخورد نیروهای غیراسلامی و ضداسلامی با انتخابات مجلس شورای اسلامی بپردازیم لازم است مروری گذرا بر پاره‌ای از تجربیات گرانقدر یازده ماه بعد از پیروزی انقلاب در رابطه با معادلات فوق بنمائیم :

الف - دقیقا " ثابت شد که اگر ترکیب نیروهای دست‌اندر اداره مملکت یکپارچه و هماهنگ نباشند تنها بر توان سیاسی مملکت اضافه نخواهد شد، بلکه با تجزیه قدرت در امر اداره کشور اختلالات غیرقابل کنترلی در کلیه سطوح پیش خواهد آمد.

ب - گروه‌های غیر اسلامی ثابت کردند که هدف آنها بعد از کسب قدرت نه تنها میل به وحدت نیست بلکه ایجاد " شکاف" و " دوئیت" هر چه عمیقتر در رده‌های بالای اجرائی و قانونی جمهوری اسلامی می‌باشد.

ج - همچنین برای گروه‌های غیر اسلامی اعم از چپ‌گرا یا التقاطی مآب ثابت شد که مشی مخالفت و مبارزه آشکار با رهبری بهر صورتی که باشد باعث به " انزوا" کشیده شدن و نهایتا " هضم شدن آنان در امواج پویای انقلاب خواهد شد (در این رابطه ضربات و حملات کارسازی مکررا " از جانب توده مردم بر پیگر سیاسی - تشکیلاتی آنان وارد آمده است) این موضع ضدتوده‌ای

آنان در رابطه با عدم شرکت آنان در رفراندوم جمهوری اسلامی و همه نپرسی قانون اساسی بخوبی در برخورد مردم با آنان اثر گذاشته است. بطوریکه بعضی از آنان در هنگامه شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، خود اذعان کردند که از جهت جلوگیری از به انزوا کشیدن نیروهای مترقی در انتخابات شرکت میکنند. و جمعی دیگر از اینان که حتی معتقد به "مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی بودند. تدریجا" به خط حرکت‌های سیاسی و فعالیتهای پارلمان تارستی کشیده شدند.

د - ثابت شد که "زمینه اجتماعی" در انقلاب ما برای رشد میکربهای غربی و خصوصا "شرقی جمعا" چندان نامساعد نیست. نگاهی به میزان گسترش و رشد نیروهای التقاطی و چپگرا پس از پیروزی انقلاب این واقعیت تلخ را تأیید میکند.

فراز دوم - نقش و اهمیت مجلس شورای اسلامی برای گروههای غیر اسلامی:

کلیه جریان‌ات و جناح‌هایی که به خط امام معتقد نیستند و در راستای آن عمل نمیکنند از التقاطی یا چپی از دیدگاه ما "انحرافی" است لذا میبایستی موضع و عملکرد این گروههای انحرافی را در برخورد با "مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران" دقیقاً بررسی و تحلیل نمود.

در این فراز به دلایل عمده ای که درباره انگیزه شرکت

و مداخله فعالانه‌اینان در انتخابات فوق است اشاره میکنیم .
 (۱) - با حضور در صحنه قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران به پیکر وجود و ماهیت غیر اسلامی و ضد اسلامی خود جامه قانون بپوشانند و امکان هر گونه مقابله جدی و " قانونی " را با این رسمیت قانونی خود منتفی ساخته و یا حداقل به دشواری و به تاخیر اندازند .

(۲) - برآوردن ندای " واقانونا " و وامظلوما در مجلس شورای اسلامی با کوچک ترین اصطکاک اجتماعی برای گروه ییـا جریان خود، با توجه باصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نمایند .

(۳) - دسترسی به عموم یا عمده اطلاعات ، اخبار و مسائل سری و حیاتی مملکتی آنهم بگونه قانونی براساس اصل ۷۶ قانون اساسی که میگوید: " مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد . "

البته اگر این مساله را در رابطه با وابستگی غالب این نیروها و جریانها به بیگانگان در نظر بگیریم که باید هم بگیریم ، قضیه ابعاد حیاتیتری بخود میگیرد .

(۴) - این نکته بخوبی ، واضح است که هیچ گروه غیراسلامی هر چندکه بظاهرتائید هم بکندقطعا " خواهان قوام گرفتن و پا

گرفتن نظام جمهوری اسلامی نیستند، و در نتیجه استعمار حکومت
 کارگری سوسیالیستی، منافقانه عمل میکنند. بنابراین اعتقاد
 و نظرات "مارکسیسم" شناسان برای رسیدن به آن حکومت دو
 راه وجود دارد:

راه اول توسل به روشهای قهرآمیز و مسلحانه میباشد
 و راه دوم روش فعالیتها و مبارزات پارلمانتاریستی از طریق
 ایجاد شرایط ذهنی، فکری و ایدئولوژیک برای تحقق انقلاب
 کارگری.

راه و شیوه نخست در ایران امروز حتی در بسیاری از
 نقاط دیگر جهان سوم عملاً منجر به شکست شده است اما شیوه
 دوم هر چند طولانی تر بنظر میرسد ولی معقولتر و به موفقیت
 نزدیکتر جلوه میکند در این رابطه تئوری احزاب مارکسیست
 طرفدار مشی پارلمانی و مبارزه سیاسی، اینست که ابتدا جا و
 موضع خود را در میان مردم و در میان نهادها و ارگانهای
 قانونی و اداری مملکتی محکم بنمایند، سپس در صدد تضعیف
 دولت و حاکمیت مسلط از طریق تبلیغاتی-سیاسی و نهایتاً نظامی
 برآیند.

هر چند که تصور این چنین آینده ای در ایران بعید
 بنظر میآید ولی نباید از این رهگذر کوچکترین حرکات و موضع
 گیری های آنان را ناچیزمرد و دست کم گرفت.

مشى پارلمانى كه طرفداران پروپاقرص پيدا كرده مشى است كه اين اواخر بسيارى از خطوط ماركسيستى معتقد به قيام مسلحانه عليه جمهورى اسلامى بدان گرويده اند.

(۵) - از طريق رخنه به مجلس شوراى اسلامى كلييه نيروها و گروههاى " انحرافى " قادر خواهند بود، با بهره ورى از امكانات تبليغياتى دولتى و غيردولتى و با تكيه بر تجارب و شگردهاى تبليغياتى خاص خود كه نتيجه سالها تجربه اندوزى در ايران و ساير كشورهاست حضور دائم خود را در افكار عمومى و اذهان توده مردم عملى سازند كه البته اين حضور با رنگ منافقانه تاثير و تاكيد بر نظرات " مردم " همراه خواهد بود و در خلال ولايتى آن به رسوخ دادن اندیشه هاى پليد ضد اسلامي شان در اذهان عوام و حتى روشنفكران از اسلام بى خبركوشيدن و كوشيدن، و بهر حال از اين طريق هم به قله كسب "پايگاه مردمى" نزديكتر ميشوند.

(۶) - تشكيل يك "جناح" يا يك جبهه متحد مركب از كلييه عناصر و گروهها و جريانهاى كه در غيرخط امام عملا" قرار دارند البته اين "جبهه متحد" با هر عنوانى يا حتى بدون هيچگونه عنوانى ممكن است تشكيل شود ولى خصيصه عمده اين "جبهه متحد" تشكيل عملى و قانونى كلييه نيروهاى است كه به دلايل مختلف يا از روحانيون يا از خط امام برريده اند، يا بدليل اقتضاي برداشت ايدئولوژيك شان در اين جبهه قرار ميگيرند همانند سازمانها و گروههاى التقاطى

مآب. در این رابطه نکته مهمی که باید در نظر داشت این است که این "جبهه متحد خلق" عملاً وجود و حضور خواهد داشت نه "رسم" برای مثال؛ در انتخابات اولین ریاست جمهوری دیدیم که در برابر "خطر روحانیت" چگونه صف واحدی از مثلث نیروهای التقاطی تشکیل شد.

البته این "جبهه متحد" اکنون هم در قید حیات فعالانه ایست ولی مسلماً با داشتن چند یا چندین نماینده در قوه مقننه جمهوری اسلامی خلا عمده ای که در این جبهه وجود دارد یعنی "خلا قدرت قانونی" را تا حدود زیادی پر خواهد کرد و نمونه قدرت این "جبهه" را می توان در آن هنگامی بررسی کرد که تعداد آنها حداقل به ده نفر برسد، چراکه در آن صورت قانوناً بر اساس اصل ۸۹ قانون اساسی میتوانند هیئت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح بنمایند و بدنبال آن

نمایندگانی که در مجلس شورای اسلامی در برابر نمایندگان در خط امام عملاً با هم ائتلاف و نزدیکی خواهند داشت عمدتاً مرکب از نیروهای چپ‌گرا و "راست‌گرا"، "ناسیونالیست" و "التقاطی" خواهند بود، و بایک برآورد ساده، میشود عمده این "جبهه" را دریافت و "خطر" ایشان را وجدان کرد.

(۷) عملاً هر گروه و هر سازمانی که تعداد نمایندگان بیشتری در مجلس داشته باشد طبیعتاً "آزادی" و "حوزه"

فعالیت زیادتر و بازتری در اختیار خواهد داشت بنا براین — آزادی عمل هر گروه و اعضای رابطه مستقیم با نفوذ و قدرتش در ارگانهای اجرائی یا قضائی یا تقنینی جمهوری اسلامی دارد. این میدان جولان مقدمه لازمی است که برای حیات هرجریان اجتماعی سخت ضروری و حیاتی می باشد نتیجتاً " تلاش پی گیر برای کسب فضای بیشتری از این میدان در دستور کار هر گروه و هر سازمان و هر حزبی خواهد بود.

(۸) — ایجاد امکانات در جهات و ابعاد مختلف برای گروه و حزب خود از کانال اختیارات رسمی و غیر رسمی نمایندگی مجلس شورا

(۹) — مخالفت و کارشکنی و ایستادگی در مجلس در برابر اصول و لویحی که با سیاست و استراتژی حزب یا سازمان نماینده مغایرت و مخالفت داشته باشد.

(۱۰) — قدرت نمائی و کسب وجهه بزرگ نمائی حزبی یا سازمانی یا گروهی و نیز زمینه سازی نماینده یا نمایندگان برای کسب حیثیت و اعتبار در جهت احراز سمتهای بالاتر مملکتی، بخصوص با توجه باصل ۸۸ قانون اساسی که میگوید: " در هر مورد که نماینده ای از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف او سؤال کند آن وزیر موظف است در مجلس حاضر و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید بیش از ده روز به تاخیر افتد مگر باعذر موجه به

تشخیص مجلس شورای اسلامی "

فراز سوم - راه‌ها و روشهای مقابله :

در برابر مواضع بسیار خطرناک و توطئه آمیز جریانهای انحرافی والحادی و جلوگیری از نفوذ عناصر چپ نما و راستگرا و لیبرال و التقاطی به مجلس شورای اسلامی میبایستی بر اساس اتخاذ سیاست و مشی مناسبی به مقابله مکتبی و انقلابی پرداخت پیشنهادات و راه‌حلهائی که به نظر میرسد ذیلاً در دو قسمت بیان می‌داریم ، باشد که در پیش‌بردها اهداف عالی اسلام و حفظ و تداوم ره‌آوردهای خونین انقلاب اسلامی موثرافتد . انشاء الله تعالی .

قسمت اول - مقابلهء قانونی :

باتوجه به روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی کسه در حقیقت تبلور آرمان شهیدان است میبایستی با وضع "آئین‌نامه‌ها و " لوایحی " راه را تا حد مقدور بر جریان‌ات انحرافی مسدود نمود از جمله این اقدامات قانونی که اصل آن در شورای انقلاب تصویب رسیده مساله ناحیه‌ای کردن تهران در امر انتخابات بود که بسیار مفید و انقلابی میباشد . البته با واکنشهای کم و بیش تنیدی هم روبرو شده و خواهد شد که به هیچ وجه مهم نیست .

از این قبیل اسنادهای قانونی میبایستی فراوان تدارک

دید از جمله اینکه :

(۱) - مطالعه و بررسی و افشای پرونده کلیه کاندیداهای

نمایندگی مجلس شورای ملی از میان پرونده‌های ساواک منحل.

(۲) - پافشاری‌های قانونی در جهت صلاحیت نمایندگان در

ارتباط با اصل ۲۶ قانون اساسی :

احزاب و جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای

اسلامی با اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه

اصول "استقلال"، "آزادی"، "وحدت ملی"، "موازن اسلامی"

و "اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.....

با توجه باین اصل میتوان افرادی که از جانب گروههایی

که عملکرد انحرافی این چند ماهه اخیرشان، بر همگان روشن

شده است از لیست دیگر کاندیدها قاطعانه حذف نمود.

تذکار: ممکن است بعضی از گروهها کاندیداهای خود را رسماً

معرفی نکنند و غیر مستقیم وی را حمایت و پشتیبانی کنند، در

اینمورد نیز، بازبینی پرونده‌های افراد، بسیار موثر و کار

ساز خواهد بود.

قسمت دوم - مقابله تبلیغاتی :

قبل از اینکه به چگونگی برخورد تبلیغاتی با این‌مساله

بپردازیم، لازم بتذکر است که مقابله تبلیغاتی تنه‌سادر

صورتی موثر خواهد افتاد که با یک " بسیج عمومی " توأم و همراه

باشد و یک " موج مردمی " حامی این مقابله باشد.

و این مهم با روشها و راههای مختلفی تامین میشود
 از جمله اینکه با پیامی از جانب " امام " عموم اقشار به
 شرکت فعالانه در امر انتخابات دعوت شوند و بدنبال آن انجمنها
 و گروههای اصیل اسلامی بیک " یورش تبلیغاتی " در دو بعد پردازند
 بعد اول - تبلیغات مثبت :

در جهت شناساندن هرچه بیشتر و بهتر صفات یک " نماینده
 ایده آل " برای مجلس و معرفی و تبلیغ گسترده کاندیداهای
 صالح و متدین .

بعد دوم - ضد تبلیغات

در جهت خنثی کردن تبلیغات کاندیداها و گروههای ناصالح
 و انحرافی البته در چارچوب ایدئولوژی اسلامی و رابطه با
 انتخابات مجلس شورای اسلامی شخصیتها و ارگانهای که در این
 " بسیج همگانی " به نحوی از انحاء می بایستی همکاری و همپای
 نمایند و در یک رابطه ارگانیک این مقابله تبلیغاتی انشاء
 الله با انجام مثبتی برسانند عبارتند از:

(۱) - امام خمینی :

سخنرانی یا پیام امام خمینی بخصوص با تاکید و پافشاری
 بر ضرورت اسلامیت در مورد نمایندگان و کل مجلس شورای اسلامی
 و هشدار به عموم اقشار ملت درباره خطیر بودن این گزینش و نقش
 آن در حفظ تداوم انقلاب .

(۲) - رادیو تلویزیون :

تک تک مواد پیام امام را بعنوان اساس " حرکت تبلیغاتی " رادیو تلویزیون در این مورد قراردادن ورهنمودهای امسام را باشکال و به صور مختلف برای افکار عمومی تبیین وتشریح نمودن xx رادیو تلویزیون میبایستی وظایف و " مسئولیت ها " و " اختیارات " نمایندگان را از قانون اساسی برای مردم مکرراً برشمرند و اهمیت مساله را بازگو کنند.

xxx رادیو تلویزیون بعنوان یک عامل بیدار کننده " از انگیزه های غیراسلامی و غیر مردمی که در ارتباط با این مساله مطرح است ، پرده برداری کنند (البته غیر مستقیم)
 xxxx رادیو تلویزیون برد وفاکتور اساسی در گزینش نمایندگان تاکید و پافشاری بیشتر بنماید ، یکی " شناخت نمایندگان " و دوم " اسلامیت نمایندگان "

(۳) - نماز جمعه در تهران و شهرستانها (اثنه جمعه)

" نماز جمعه " همایش عظیمی است که هر جمعه تقریباً در سراسر ایران برگزار میشود و " امکان " بسیار مناسبی است برای روشنگری و آگاه سازی توده ها بخصوص در جهت استفاده تبلیغاتی تکلیه بر غرور و حمیت مذهبی مردم بخوبی قابل استفاده و بهره برداری میباشد.

(۴) - بیانات و اطلاعیه های کلیه آیات عظام و حج گرام

(جامعه مدرسین حوزه علمیه و روحانیت مبارزو)

از آنجا که بحمدالله هنوز روحانیت در عمق جامعه ما از نفوذ ژرف و موثری برخوردار میباشد، بسیار ضروری است که نوع روحانیون طراز " اول در" آگاهی بخشی " و " هشدار دهی" در این امر خطیر و عظیم فعالانه دخالت و مشارکت ورزند.

(۵) - انجمنها و گروهها و احزاب اصیل اسلامی :

جریانات زلال اسلامی بویژه در امر " افشاگری " کاندیداهای ملحد و منافق میتوانند، کارسازترین نقش ها را عهده دار شوند بخصوص در یک ارتباط ارگانیکی و سراسری

(۶) - ارگانها و گروههای اصیل اسلامی شاخص :

مانند: حزب جمهوری اسلامی ، سپاه پاسداران ، دانشجویان پیرو خط امام ایشان میبایستی بر اصل " صددرصد اسلامی بودن مجلس " تاکید و پافشاری نمایند و بایک حرکت سازمان یافته عملاً " گروههای غیر خط امام را با "تبلیغات مثبت " خود به انزوا بکشانند.

(۷) - مطبوعات و جر اید :

در مورد مطبوعات پیشنهاد دادن آسان است و بمرحله عمل درآوردن سخت مشکل ولی بهرحال درباره پاره ای از مطبوعات همانند روزنامه جمهوری اسلامی ، انقلاب اسلامی و آزادگان، شاید بشود انتظاراتی را مطرح کرد.

این جراید مسئول می‌توانند با توجه به نکات و مسائلی که در
 بالامطرح شده به میدان مقابله مکتبی با جریان‌های الحادی و التقاطی
 بیایند، قطعا "نقش مطبوعات خصوصا "درمیان شهروندان بسیار
 عمده و موثر است .

(۸) - جهاد سازندگی :

کمیته فرهنگی جهاد سازندگی خصوصا " در این رابطه می‌توانند
 بعنوان یک عامل کاری و برآعمل نمایند. با توجه باینکه برای
 انتقال آگاهی و شناخت در این مقوله سرنوشت ساز به روستاها
 کمتر روزن امید ی غیر از این کانال می‌توان یافت .

(۹) - وحدت و ائتلاف :

شاید این یکی از غالب پیشنهادات فوق الذکر اساسی تر و
 موثر تر و مبرم تر باشد. مساله "وحدت" و "ائتلاف" کلیه نیروهای اصیل
 اسلامی و بدور انداختن تمامی اختلافات و تفاوت سلیقه های جزئی
 می‌توانند نه تنها "ائتلاف" را در جبهه مخالف خنثی کند بلکه پیروزی
 چشمگیری را نیز بدنبال می‌آورد. و خدای نخواستہ چنانچه این وحدت
 ضرور اسلامی محقق نشود، قطعا "عواقب فاجعه آفرین وحشت باری بار
 خواهد آورد..... " ففتشوا فتذهب ریحکم

x به امید تکمیل و تحقق این پیشنهادات و باروری هر چه بیشتر

نهال انقلاب اسلامی والعاقبه للمتقين. x

افشای دوسنددیگر

" در مورد حاکمیت انحصار طلبان بر
اداره سیاسی-ایدئولوژیک ارتش "

به نقل از :



" مجاهد فوق العاده انتخابات شماره ۶ "

یکی از شیوه‌هایی که امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه برای تثبیت خودش به طور سیستماتیک بکار می‌گیرد، جلوگیری از رشد و آگاهی توده‌هاست طبیعتاً چماق ضد خلقی امپریالیسم یعنی ارتشهای وابسته در این رابطه از اولویت خاصی برخوردارند و دیدیم که با اختناق مضاعفی که بر ارتش حاکمیت داشت چگونه از آن بر علیه خلق ما استفاده کردند.

در اوان انقلاب توده‌های ارتشی در کنار سایر اقشار مردم که از نظام آریامهری به تنگ آمده بودند همپای خلق قهرمان ایران در انقلاب شرکت کردند و بالاخره با آفریدن حماسه‌ی ۲۱ بهمن زنجیرهای اسارت‌سی و چند ساله رژیم پهلوی را پاره کردند و ندای انقلاب را به درون ارتش بردند طبیعی بود که توده‌های ارتشی بعد از تلاشی نظام دیکتاتوری حق خود بدانند که دیگر زیر بار تبلیغات و توجیهات سیستماتیک فرماندهان وابسته به امپریالیسم نروند، آنها خواستار بودند هرچه بیشتر آگاهی کسب کنند تا دیگر مهره‌ای در دستگاه عریض و طویل با سیستم آمریکائی نباشند و خارج از هرگونه توصیه‌ها و رهنمودها و برنامه‌هایی به شیوه‌ی آریامهری برای اولین بار خود تصمیم بگیرند و انتخاب کنند.

دایره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش و رسالت آن

دایره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش علی القاعده در رابطه

بامکتبی کردن ارتش بنیان گذاشته شد. ولی نگاهی به نشریات و عملکردهای یکساله‌ی این ارگان پرده از بسیاری از قضایا بر خواهد داشت. این ارگان که بنا بود در جهت رشد و آگاهی پرسنل از بند طاغوت رسته حرکت کند و وظیفه داشت که تفکرات امپریا- لیستی را از ارتش بزداید و تفکرات اسلامی جایگزین آن کند- سرنوشت ارگانهای دیگر دچار شد. سروکله انحصار گران حزب مشخص و سیطره نفوذ آنان پیدا شد دیگر تبلیغ ایدئولوژی اسلام جایش را به تثبیت حاکمیت مهره های حزب حاکم داد. استفاده از تمامی شگردهای حزب حاکم در کار این ارگان به وفور دیده میشود. بنا استفاده از نام امام و توصیه‌های ایشان و... اهداف و نیات - انحصار گرایانه خو در اجامه عملی پوشانند. هر فکر مخالف با آنها اخلاص گر ، ضد انقلاب ، شورشگرو... بود و با لطایف الحیل او را از سر راه بر میداشتند گویا تبلیغ اسلام ، تبلیغ ایدئولوژی حزب جمهوری بود. چهره‌ی انحصار گرایانه این ارگان در جریان انتخابات مجلس شورای ملی روشن‌تر شد. چراکه منافع حزب حاکم به خطر افتاده است و باید تمامی امکاناتی که ناحق بر آن دست یافته‌اند بکار گرفته شود. اینک به بررسی یک نمونه‌ی دیگر از عملکردهای حزب از طریق دایره‌ی سیاسی ایدئولوژیک ارتش می - پردازیم :

سید رضا اکرمی روحانی مسئول دایره‌ی سیاسی - ایدئولوژیک ارتش در ستاد نیروی هوایی است. وظیفه او همانطور که در مقاله گفته شد علی القاعده تبلیغ ایدئولوژی اسلام باید باشد حال چگونه

ایشان به خود اجازه می‌دهند که فقط به تبلیغ اهداف حزب جمهوری اسلامی بپردازند باید از خودشان پرسید.

سند شماره ۱ مقاله توضیحی در مورد طرفداری از اکثریت مطلق است که به امضای سید رضا اکرمی در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۷۰ درستاد

نیروی هوایی چاپ و پخش شده است.

بسمه تعالی

اکثریت مطلق شورای

در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی و حضور فراوان ره‌علیه‌السلام به یاد است از جمله اصول اکثریت مطلق، مواز نمایندگی واحد، برابری نمایندگی و برابری عدم موفقیت آن اکثریت نسبی برای دور دوم. قبل از بررسی آثار موانع و مخالفات لازم است توضیحی در مورد معنای اکثریت مطلق داده شود تا نتیجه نبردهای آن باسد. همان‌گونه که معنای اکثریت مطلق این است که چنانچه در برخی انتخابات چنانچه در مقاله ۱۰۰۰ رقم بود رأی به مخالف اکثر آرا در صورتی که آن انتخابات خواسته شود برای دور دوم نیز می‌تواند در اکثریت نسبی آن است که هر فرد که به چنین رأی را داشته او نماینده خواهد بود.

حال اگر در آیین نامه انتخابات آرا اکثریت مطلق آمده است ؟

۱- جهت در این مورد باید توجه است :

- ۱- احترام با اکثریت مردم.
- ۲- برخورداری از امتداد بیشتر مردم.
- ۳- ضمانت احراز تصمیم سربلای نمایندگان.
- ۴- تم آئین با انتخابات با جمهوری یا برخورداری از ۷۰ درصد آرا.
- ۵- امنیت تأسیسات و زیرساخت‌ها برای دور دوم برای بهبود هم آئین تکرار هفته بعد.

توجه دیگری :

۶- امنیت دادن انجام اکثریت مردم.

در زمینه اکثریت نسبی سخن نمی‌آید زیرا دور دوم مورد مخالف و موافق نیست.

ضمیمه

- ۱- اصلاحات مخالفان اکثریت مطلق.
- ۲- مخالفان قانون اساسی است.
- ۳- ضمانت از نواقص می‌باشد.

۴- برای جلوگیری از نبردهای نظری و حقوقی به مجلس است.

۵- در قانون اساسی سربلای این حالت ذکر نشده است مثل ریاست جمهوری اصل ۱۱۷

ن : ۱- هر زمان که به مخالفان قانون اساسی نسبت زهره در اصل ۶۴ می‌خوانیم مجلس شورای ملی از نمایندگانش است که به دور مستقیم و با رأی مجلس انتخاب می‌شوند تشکیل می‌دهند.

سید رضا اکرمی
۰۵۸/۱۲/۱۳۷۰

متن تایپ شده سند: بسمه تعالی

اکثریت مطلق برای چیست؟

در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی بحثهای داغ و گفتگوهای فراوان وله وعلیه مطالب زیاد است. از جمله شرط اکثریت مطلق برای نمایندگان واجد شرایط نمایندگی ، و در صورت عدم موفقیت آن اکثریت نسبی برای دور دوم ،

قبل از بررسی نظر مخالف و موافق لازم است توضیحی در مورد معنای اکثریت مطلق داده شود تا نتیجه گیری آسان باشد.

بزیان ساده معنای اکثریت مطلق است که نماینده در صورتی انتخاب می‌گردد که حداقل بنجاه درصد یا ضافه بک مردم به وی رای بدهند و اگر چنین نشد در دور اول انتخاب نخواهد شد و برای دور دوم رزرو می‌گردد، و اکثریت نسبی آن است که هر فرد یکدک بیشترین رای را داشت او نماینده خواهد بود.

حال جرادر آئین‌نامه انتخابات شرط اکثریت مطلق آمده است؟

×: چند جهت در این مورد قابل توجه است:

- ۱- احترام به اکثریت مردم
- ۲- برخورداری از اعتماد بیشتر مردم،
- ۳- ضمانت احرائی تصمیم گیری های نمایندگان
- ۴- هماهنگی با انتخابات ریاست جمهوری با برخورداری از ۷۵%

آراء

۵- اهمیت قوه مقننه وزیر بنا بودن آن در برابر قوای دیگر

و هماهنگی قوه مقننه با قوه مجریه

۶- اهمیت دادن امام به اکثریت مردم

در زمینه اکثریت نسبی سخن نمی گویم زیرا دور دوم مورد قبول

مخالف و موافق نیز هست.

و اما اشکالات مخالفان اکثریت مطلق:

۱- مخالف قانون اساسی است

۲- تبعیت از فرانسه میباشد.

۳- برای جلوگیری از نیروهای انقلابی و مترقی به مجلس است .

۴- در قانون اساسی صراحتاً این مطلب ذکر شده است مثل ریاست

جمهوری اصل ۱۱۲

x: هرگز این لایحه مخالف قانون اساسی نیست زیرا در اصل ۶۲ میخوانیم " مجلس شورای ملی از نمایندگان ملت که بطور مستقیم و با رای مخفی انتخاب میشوند تشکیل میگردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد" مگر ضریحاً در این اصل نیامده که شرایط انتخاب شندگان را قانون معین میکند. و مگر شورای انقلاب قانون گذار نیست و مگر در شورای انقلاب اکثریت آراء محترم نیست. پس چگونه میگویند با قانون اساسی مخالف است .

۲- جو فرانسه با جو ایران از هر جهت تفاوت دارد اینجا اسلام

و انقلاب اسلامی مطرح است لاغیر، اینجا ولایت فقیه وجود دارد، آراء ۹۸ درصد در نظام جمهوری و ۱۵ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در نظر خواهی قانون اساسی و ۷۵% در آراء ریاست جمهوری و... مطرح میباشد. بنابراین نباید ایران را دنباله رو فرانسه دانست و هیچ کشور دیگر، با فرض اینکه این شرط از فرانسه اقتباس شده باشد چه اشکالی دارد مگر مطلب صحیح در هر جای عالم را نباید پذیرفت مگر امام معصوم نمی فرماید " انظروا الی ما قال ولا تنظروا الی من قال " : (بنگرید چه میگویند نه اینکه چه کسی می گوید) این تنگ نظریها در اسلام نیست که قانون از فرانسه است پس نباید پذیرفت .

۳- اگر نیروهای انقلابی و مترقی خود معرف انقلابی و مترقی بودن هستند نه مردم ، این صحیح نیست زیرا میزان مردم هستند نه هر فرد مدعی و اگر مردم شما را مترقی و انقلابی می شناسند پس چرا اینهمه وحشت دارید همان مردم شما را انتخاب خواهند کرد.

عمل کرد یکسال شما پس از پیروزی انقلاب نشان داد که شما بیش از هر چیز اشکال گیرنده و مدعی هستید و در موردی دیده نشد که با عمل نشان دهید که حق با شماست .

۴- اگر در قانون اساسی مریحا این مورد و تا شیرآن بیان می شد دیگر نیازی به اینکه گفته شود: شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد- نیست- اصل ۶۲

در آخر اصل ۶۴ آمده : مقررات مربوط به انتخابات را قانون معین می کند.

همه نیز در قانون اساسی گفته میشود؟ این قوه مقننه است نه قوه مجریه ، این اصل ۶۲ است و آن اصل ۱۱۷- و باید بگوئیم هم آهنگی بین قوه مقننه و قوه مجریه ایجاد می کند که همان شرط قوه مجریه را در قوه مقننه ولو در آئین نامه هم که نباشد باز گو کنند.

سید رضا اکرمی

سند دوم : لیست ائتلاف بزرگ ، اسامی کاندیداهای حزب جمهوری است . که در تاریخ ۲۲ / ۱۲ در حدود ۳ الی ۴ هزار نسخه از آن توسط امکانات چاپ نیروی هوایی تکثیر و توسط دایره سیاسی ایدئولوژیک پخش شده است .

فصل اول - لیست ائتلاف بزرگ جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۵۶/۱۲/۲۲

نام و نام خانوادگی کاندیدان ، حزب جمهوری اسلامی ایران ، شماره ثبت در دفتر انتخاباتی ، شماره ثبت در دفتر انتخاباتی و شماره ثبت در دفتر انتخاباتی

اسماء شریفه :

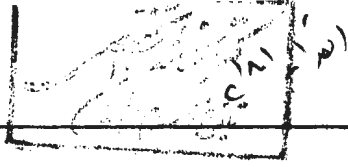
ردیف	نام و نام خانوادگی	شماره ثبت
۱	محمد آقا گل محمدی	۱۱۱
۲	محمد علی حسینی	۱۱۲
۳	محمد علی حسینی	۱۱۳
۴	محمد علی حسینی	۱۱۴
۵	محمد علی حسینی	۱۱۵
۶	محمد علی حسینی	۱۱۶
۷	محمد علی حسینی	۱۱۷
۸	محمد علی حسینی	۱۱۸
۹	محمد علی حسینی	۱۱۹
۱۰	محمد علی حسینی	۱۲۰
۱۱	محمد علی حسینی	۱۲۱
۱۲	محمد علی حسینی	۱۲۲
۱۳	محمد علی حسینی	۱۲۳
۱۴	محمد علی حسینی	۱۲۴
۱۵	محمد علی حسینی	۱۲۵
۱۶	محمد علی حسینی	۱۲۶
۱۷	محمد علی حسینی	۱۲۷
۱۸	محمد علی حسینی	۱۲۸
۱۹	محمد علی حسینی	۱۲۹
۲۰	محمد علی حسینی	۱۳۰
۲۱	محمد علی حسینی	۱۳۱
۲۲	محمد علی حسینی	۱۳۲
۲۳	محمد علی حسینی	۱۳۳
۲۴	محمد علی حسینی	۱۳۴
۲۵	محمد علی حسینی	۱۳۵
۲۶	محمد علی حسینی	۱۳۶
۲۷	محمد علی حسینی	۱۳۷
۲۸	محمد علی حسینی	۱۳۸
۲۹	محمد علی حسینی	۱۳۹
۳۰	محمد علی حسینی	۱۴۰

حال از آقایان باید پرسید امکانات ارتش فقط متعلق به انحصار گراد در خدمات اهداف آنان باید باشد؟

دایره سیاسی - ایدئولوژیک و طرح دومرحله‌ای

بحث های زیادی بر سر مساله دو مرحله ای و یک مرحله ای بودن انتخابات در جامعه مطرح بود. بی شک آگاهترین اقشار و سازمانهای سیاسی و شخصیت های ملی و مذهبی میدانستند که انحصارگران حزب جمهوری با همه ی توجیهات قانونی و غیر قانونی چرا از طرح دو مرحله ای دفاع میکنند در این رابطه بود که حزب از تمامی امکانات و ارگانهایی که بر آن سیطره داشت، سعی داشت به تبلیغ این نظریه بپردازد. یکی از این ارگانها دایره ی سیاسی ایدئولوژیک بود. شایان توجه است وقتی که پای منافع حزب در میان باشد تبلیغات در ارتش به نفع حزب جمهوری هیچ مانعی ندارد بلکه آنرا واجب میدانند ولی زمانی که نوبت دیگران میرسد ارتش ارگان اجرایی میشود که حق دخالت در امور سیاسی را ندارد.

باید از آقایان پرسید شما با چه مجوزی از امکاناتی که در اختیار دارید به نفع یک حزب بخصوص استفاده میکنید. آیا هیچ فکر مخالف دیگری وجود ندارد؟ اگر ریگی در کفش ندارید و هدف بالا بردن سطح آگاهی پرسنل میباشد چرا شما مسئولین دایره ی سیاسی - ایدئولوژیک نظریات مخالفین و از جمله فرماندهی کل قوا آقای بنی صدر را که سه بار رسماً مخالفت خود را با طرح دو مرحله ای ابراز داشته اند برای پرسنل تبلیغ نکردید؟ و توده های ارتشی را در انتخاب این دو نظریه آزاد نگذاشته اید؟ چه فرقی دارد این شیوه ی آگاهی دادن با همان شیوه های انحصارگرایانه ی رستاخیزی که به هیچ فکر مخالف خود اجازه تبلیغ و نشر نمیداد. توسل به این شیوه ها و انحصار طلبیها حاصلی جز افشای ماهیت



دست اندر کاران آن نخواهند داشت .

اگر رژیمهای طاغوتی توانستند جلوی رشد و آگاهی توده های
ارتشی را بگیرند ، انحصار طلبان هم خواهند توانست .